

تاکتیک عملیات روانی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌های صدر اسلام

نویسندگان: رضا شاهقلیان قهفرخی^۱

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال چهاردهم، شماره ۴۳، زمستان ۱۳۹۶

چکیده

پیامبر اکرم ﷺ با استفاده از تاکتیک‌های جدید نظامی و با فرماندهی و مدیریت بسیار دقیق برتری عددی و تجهیزاتی دشمن را خنثی می‌کردند. لذا هدف از این مقاله، بررسی تاکتیک نظامی عملیات روانی به کار گرفته شده در فرماندهی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌های مختلف ایشان می‌باشد. با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخ‌گویی به پرسش اصلی در این مقاله، یعنی «تاکتیک عملیات روانی به کار گرفته شده در فرماندهی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌ها چیست؟»، از روش توصیفی-تحلیلی جهت بررسی موضوع استفاده شده است و از نظر نوع تحقیق، در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار دارد. ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی و منابع اینترنتی می‌باشد. با تجزیه و تحلیل پرسش این مقاله، می‌توان پاسخ روشنی برای آن داد که تعدادی از تاکتیک‌های نظامی مورد استفاده پیامبر اکرم ﷺ در جنگ و بررسی تاکتیک عملیات روانی می‌باشد. نتایج تحقیق، نشانگر آن است چهار شاخص مهم در فرماندهی پیامبر اکرم ﷺ نقش بسیار مهمی در پیروزی ایشان در جنگ‌ها را داشت که عبارتند از: ۱. استفاده از انواع تاکتیک‌ها جنگی؛ ۲. خلاقیت و نوآوری در جنگ‌ها؛ ۳. آمادگی و آموزش فنون جنگی به لشکر و ۴. سازماندهی نیروها و تجهیزات در جنگ‌ها.

واژگان کلیدی: پیامبر اکرم ﷺ، تاکتیک‌های نظامی، فرماندهی، عملیات روانی.

۱. مقدمه

جنگ از پدیده‌های دشوار و پیچیده تاریخ حیات انسان است که می‌توان از ابعاد گوناگون به مطالعه آن پرداخت. هرگونه نظریه‌پردازی در مسأله جنگ که از پیامدهای روابط اجتماعی است، نمی‌تواند بی‌ارتباط با نظریه انسان‌شناسی باشد. از دیدگاه اسلام، انسان موجودی دو بُعدی است. بُعد جسمانی و فیزیکی و بُعد روحی و روانی. این موضوع در قرآن کریم به این صورت بیان شده است: «بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ... ثُمَّ سَوَّيْنَاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ ...» (سجده، ۷-۹)؛ یعنی «انسان را ابتدا از خاک (بُعد جسمانی) آفرید... سپس نیکو بیاراستش و از روح خود (بُعد روحانی و معنوی) در آن دمید». جنگ نیز مقوله‌ای اجتماعی و انسانی است که می‌توان برای آن، دو بُعد فراگیر و عام تصور کرد که تاریخ و تجربه نیز آن را تصدیق می‌کند. این دو بُعد عبارتند از:

۱. اقدامات و عملیات فیزیکی؛ هدف این اقدامات این است که با تکیه بر توان فیزیکی و کاربرد زور و خشونت از طریق وارد آوردن خسارت و تلفات، طرف مقابل (انسان) را به تسلیم وا دارد. در این نوع نبرد، محور اصلی برای مقابله با انسان، با توجه به بُعد جسمانی او و نیز هر آنچه به لحاظ مادی و فیزیکی به او تعلق دارد، توان و قدرت فیزیکی یا اعمال زور و کاربرد خشونت است.

۲. عملیات و جنگ روانی که هدف آن، بُعد روحی و روانی انسان است. بنابراین، بر ابزارهای روانی، فکری، ذهنی و فرهنگی تأکید دارد و به کمک آن‌ها با انجام دستکاری و تغییر در ذهن و احساسات و عواطف آدمی، سعی بر تسلیم او دارد. از این روی گفته‌اند: عملیات روانی به منزله شیوه‌ای مسالمت‌آمیز، بر عواملی مانند منطق، ترس، رغبت و دیگر عوامل روانی تکیه می‌کند تا هیجان‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای خاصی را در مخاطبان پدید آورد (مرادی، ۱۳۸۲: ۵).

بنابراین در نوع دوم، محور اصلی برای مقابله با انسان - با توجه به بُعد روانی او یعنی ذهن و عواطف - قدرت معنوی و فرهنگی یا قدرت اندیشه و تدبیر است. در واقع جنگ، در دو چهره اصلی و اساسی، خود را به نمایش می‌گذارد، یکی چهره شمشیر (زور) است و دیگری چهره اندیشه و احساس. ناپلئون، با توجه به هر دو نوع قدرت، می‌گوید: «تنها دو قدرت شمشیر و فکر در جهان وجود دارد و در دراز مدت، شمشیر همواره در برابر قدرت فکر، مغلوب بوده است» (لی‌وایت، ۱۳۸۲: ۳۵).

اهمیت عملیات روانی در نبرد با دشمن، به حدی است که بیشتر اندیشمندان نظامی پیشین و حاضر، بر آن تأکید ورزیده‌اند. برای نمونه، لیدل هارت می‌نویسد: «هدف واقعی در جنگ، غلبه بر تفکر فرمانده دشمن است، نه جسم سربازانش. اگر ما علیه نیروهای

دشمن، عملیاتی اجرا می‌کنیم، اساساً بدان دلیل است که بر فکر و ارادهٔ فرماندهٔ دشمن، تأثیر بگذاریم...» (لی‌وایت، ۱۳۸۲: ۳۵). از آنجایی که عملیات روانی، دو بُعد مهم وجود انسانی، یعنی ذهن و خرد و قلب و احساس انسان‌ها را آماج حمله قرار می‌دهد، گاه چنین تصوّر می‌شود که این‌گونه اقدامات، به ویژه در دوران جدید، صرفاً برای تحریف حقیقت، آفریدن ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های مجازی و گمراه کردن نسل و نوع انسان به کار می‌آید. بنابراین، در خصوص عملیات روانی و جامعهٔ ما، برخی از مسائل مهم و اساسی چون روش‌ها، تکنیک‌ها، تاکتیک‌ها، کارایی و ابزارهای متعدد و چگونگی کاربرد و روا یا ناروا بودن آن‌ها مطرح است. همچنین ارتباط جنگ روانی یا عملیات روانی با مسائل معنوی و اخلاقی و نیز اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن آن، از اموری است که می‌تواند برای ما در بررسی یا کاربرد این‌گونه اقدامات، حائز اهمیت باشد. مهم‌تر از این دو مورد، ارتباط جنگ و عملیات روانی با مکتب اسلام است که به عنوان مکتبی جامع، کامل و در عین حال، انسانی و رهایی‌بخش به بشریت عرضه شده است. آیا جنگ روانی و اقدامات جنگی بر اخبار، اطلاعات، تبلیغات و رسانه‌ها، از منظر اسلام و پیامبر و شارع آن مجوز کاربرد دارد یا نه و اگر دارد، چگونه و در چه موردی و به چه میزانی و با چه ابزارها، روش‌ها و تکنیک‌هایی؟ آیا اصولاً پدیدهٔ جنگ روانی در تاریخ اسلام، جایی داشته است یا نه؟

این پرسش‌ها و پرسش‌های مشابه دیگر، به ویژه در ارتباط با عملکرد ما و ارتباط آن با شریعت و سنت و سیرهٔ پیشوایان معصوم :، ما را بر آن می‌دارد تا به تاریخ صدر اسلام و جنگ‌ها و نبردهای مهم آن دوران، رجوع کنیم و چگونگی برخورد با این پدیده را به دست آوریم. ماسعی می‌کنیم در این مقاله، بعضی از مهمترین اصول و تاکتیک‌های نظامی پیامبر ﷺ که باعث پیروزی سپاه اسلام شد را بیان نموده و همچنین تاکتیک عملیات روانی در فرماندهی رسول خدا ﷺ در جنگ‌های که ایشان شرکت کردند را بیان نماییم.

۲. بیان مسأله

نویسندگان بسیاری دربارهٔ ابعاد گوناگون زندگی رسول اکرم ﷺ، پژوهش‌های زیادی انجام داده‌اند. آنان، در خلال پژوهش‌های دامنه‌دارشان، از ویژگی‌های منحصر به فرد و پسندیده‌ای که در وجود آن رسول هم‌ام، متجلی است، پرده برداشته و سپس این ویژگی‌ها و صفات را با دلایل و شواهد آشکار، به صورت کتاب درآورده و فراروی دیدهٔ جهانیان گذارده‌اند؛ به‌طوری‌که این کتاب‌ها در هر کتابخانه‌ای یافت می‌شود. در این زمینه، برخی از نویسندگان، دربارهٔ اخلاق آن حضرت نگاشته‌اند و برخی دربارهٔ عدالت و پایداری وی سخن رانده‌اند؛ پاره‌ای از آن‌ها، دربارهٔ نوع-دوستی، مطالبی به رشتهٔ تحریر درآورده‌اند؛ و دسته‌ای هم عنان قلم را به سوی زهد حضرت کشانده‌اند. اما به رغم آنکه

دربارهٔ ایشان آثار فراوانی نگاشته شده، جنبه‌های مهمی در زندگی ایشان، همچنان باقی مانده که به‌طور کامل، مورد بررسی و مذاقه قرار نگرفته است؛ تا توانایی‌ها، استعدادها و درک عمیق آن حضرت، در این بُعد از زندگی‌شان را به منصهٔ ظهور برساند. یکی از آن وجوه فراموش شده، فرماندهی و مدیریت و برنامه‌ریزی‌های جنگی آن حضرت می‌باشد. علت این بی‌توجهی را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که بررسی‌کنندگان و پژوهشگران زندگی آن حضرت، در این زمینه، آن‌چنان که شایسته و بایسته است، مهارت نداشتند تا در آن توغل کرده و پرده از گنج‌های گران‌بهای آن بردارند. به این معنا که هر کس بنا بر تخصصی که داشت، پیرامون پیامبر اکرم ﷺ و موضوع تخصصی خود، بررسی و تعمیق کرده و به دنبال آن هم دستاوردها و نظریات نیکو و مهمی را استخراج می‌نمود. اما بُعد نظامی زندگی حضرت، احتیاج به محققینی داشت که در این عرصه، از تخصص کافی برخوردار بوده، تا بتواند بحث و بررسی کرده و این جنبهٔ مهم زندگی پیامبر ﷺ را آشکار نماید. جنبه‌ای که مالا مال از مبارزه و جهاد ایشان، در راه دفاع از ارزش‌های اسلامی و انسان دوستانه بود. کتاب‌های تاریخی عربی و اسلامی سرشار از صحنه‌های منحصر به فرد و درخشانی دربارهٔ این بُعد زندگی پیامبر ﷺ می‌باشد که سزاوار است به آن‌ها توجه نموده و با زدودن گرد و غبار و گذشت زمان، لباس امروزی بر آن پوشانده و به گونه‌ای عرضه کنیم که هم با ذوق و سلیقهٔ یک فرد نظامی و هم مطابق با ذوق و سلیقهٔ یک فرد غیر نظامی، سازگار باشد. یکی از دلایلی که افراد را از نوشتن دربارهٔ این بُعد پیامبر ﷺ، رویگردان کرده است، ممکن است نداشتن تخصص کافی در این زمینه باشد. لذا دغدغهٔ نویسندگان در این مقاله، صرفاً پژوهشی است جهت بررسی و احصاء تاکتیک‌های نظامی در فرماندهی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌ها و مبارزات انجام شده توسط ایشان و همچنین تاکتیک عملیات روانی در فرماندهی رسول خدا ﷺ در جنگ‌هایی که ایشان شرکت نموده‌اند، بررسی می‌نماییم.

۳. هدف از تحقیق

هدف از این پژوهش، بررسی تاکتیک نظامی عملیات روانی به‌کار گرفته شده در فرماندهی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌های مختلف ایشان می‌باشد.

۴. پرسش تحقیق

تاکتیک عملیات روانی به‌کار گرفته شده در فرماندهی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌ها چیست؟

۵. روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخگویی به پرسش در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی جهت بررسی موضوع استفاده شده است. روش توصیفی-تحلیلی،

عبارت است از اینکه محقق، علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسأله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها فراهم می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۴: ۷۱). ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی و منابع اینترنتی می‌باشد. لذا در این روش، با مطالعه چندین کتاب، فصلنامه تخصصی، مقالات و تحقیق دیگر پژوهشگران و جستجو در فضای اینترنت، اطلاعات مورد نیاز، جمع‌آوری گردیده و سعی شده است، تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی صورت پذیرفته و به پرسش‌های تحقیق، پاسخ مناسبی داده شده است.

۶. مفهوم‌شناسی

۶-۱. تاکتیک^۱

تاکتیک، از یک لغت یونانی به نام «تالتیکوم» که به معنی در خط ایستادن و شکل دادن و مهارت چگونه نظام گرفتن و چگونه گسترش دادن نیروهای نظامی در نبرد می‌باشد و یا می‌توان به طور کلی، تاکتیک را این گونه تعریف نمود که تاکتیک، هنر چگونه جنگیدن می‌باشد (معاونت آموزش نیروی زمینی سپاه، ۱۳۷۶: ۲).

۶-۲. عملیات روانی

جنگ روانی^۲ یا عملیات روانی^۳ گونه‌ای از رزم و نبرد است که در آن، از تبلیغات و ابزارهای تبلیغاتی، خبری، اطلاعات، رسانه‌ها و ... به تعبیر قرآن «أفواه» - به منظور تأثیر بر روحیه، روان، عواطف و احساسات، فکر و اندیشه مخاطبان هدف، استفاده می‌شود. در واقع، عملیات روانی، نوعی جنگ و مبارزه است که در آن به ابزارهای خاصی توجه می‌شود و روش‌ها و اهداف ویژه خود را دارد. عملیات روانی، نوعی تلاش برای متقاعدسازی با هدف تسلیم یا مغلوب کردن طرف مقابل همراه با تأثیرات جانبی آن است و به زمان جنگ اختصاص ندارد بلکه در زمان صلح و در دوران بحران نیز به کار می‌رود. به ویژه پیش از شروع جنگ، عملیات روانی با قصد رسیدن به اهداف مورد نظر جنگ، حتی‌الامکان بدون درگیری صورت می‌گیرد. از این نظر شاید بتوان یکی از ارکان اساسی جنگ را عملیات روانی دانست. اصولاً جنگ سرد شکل خاصی از عملیات روانی است. پیش از شروع جنگ، عملیات روانی در پی تغییر رفتار کسانی است که برای جنگ آماده می‌شوند. عملیات روانی با تأثیر بر رفتار رزمندگان هم در صحنه نبرد و هم پس از نبرد می‌تواند ادامه داشته باشد.

1. Tactic

2. Psychological War Far.

3. Psychological Operations.

در خصوص جنگ روانی یا عملیات روانی تعاریف گوناگونی ارائه شده است که عبارتند از:
۶-۲-۱. حملات تبلیغاتی شدیدی است بین دو دولت یا دو گروه از دولت‌ها (علی‌بابایی، ۱۳۶۹: ۳۶۴).

۶-۲-۲. استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن که هدف اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی‌طرف و یا گروه‌های دوست است، تا موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری شود (محمد نژاد و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۱۲).

۶-۲-۳. عملیات روانی، سلسله فعالیت‌های روان‌شناسانه‌ای را در برمی‌گیرد که در زمان صلح، جنگ و بحران، برای تأثیر گذاشتن بر نگرش و رفتار مخاطبان بی‌طرف، خودی و دشمن، طرح‌ریزی شده و در روند دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی مؤثر است (جنیدی، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۰).

۶-۲-۴. عملیات روانی، عملیاتی است که برای انتقال اطلاعات و نشانه‌های برگزیده شده با هدف تأثیرگذاری بر هیجان‌ها، انگیزه‌ها، استدلال عینی مخاطبان خارجی، رفتار دولت‌های بیگانه، سازمان‌ها، گروه‌ها و یکایک افراد طرح‌ریزی می‌شود (الیاسی، ۱۳۸۲: ۲۳۸).

بر اساس تعاریف، فوق و سایر تعاریف، عملیات روانی در جنگ با چند ویژگی اساسی مشخص می‌شود:

۱. هدف نهایی: تأمین اهداف یا مقاصد امنیت ملی یا سایر اهداف سیاسی و نظامی؛
۲. هدف کلی: تأمین اهداف جنگ (پیروزی و تسلیم شدن)؛
۳. هدف رفتاری: تأثیر بر ذهن، عواطف، تمایلات و روان نیروهای دشمن و تغییر آن رفتارها؛

۴. ابزار: تبلیغات، فعالیت‌های روان‌شناسانه، رسانه‌ها، اطلاعات و سایر ابزارها؛

۵. مورد حمله: عقاید، نگرش‌ها، برداشت‌ها، احساسات، تمایلات و رفتار؛

۶. مخاطب: دشمن، گروه‌های بی‌طرف، دوستان و خودی‌ها؛

۷. میدان نبرد: گسترده و فراگیر و در برگیرنده جوامع رودرو و بی‌طرف؛

۸. زمان حمله: جنگ، صلح و بحران؛

۹. شیوه: گوناگون (گفتاری، شنیداری، دیداری و ...).

با نگاهی گذرا به برگ تاریخ نیز می‌توان به این نکته پی‌برد که جنگ روانی از همان اوایل خلقت بشر وجود داشته است، ولی هر اندازه تاریخ بشر از گذشته‌های دور فاصله می‌گیرد و به عصر ارتباطات نزدیک می‌شود، بر ابعاد گستردگی و پیچیدگی جنگ روانی افزوده می‌گردد. جی.اف.سی فولر، مورخ و تحلیلگر نظامی بریتانیا، نخستین کسی است که

واژه «جنگ روانی» را در سال ۱۹۲۰ به کاربرد. سپس نخستین کاربرد واژه «جنگ روانی»، در مقاله‌ای با عنوان «جنگ روانی و چگونگی به راه انداختن آن» در یکی از نشریه‌های عمومی آمریکا در سال ۱۹۴۰ منتشر شد. واژه «عملیات روانی» نیز در اوایل ۱۹۴۵ آن توسط کاپیتان «ام. زاپاریاس» در طرح عملیاتی منتسب به تشدید محاصره ژاپن توسط نیروهای دریایی آمریکا به کار گرفته شد. این واژه، بار دیگر در سال ۱۹۵۱ استفاده شد، یعنی زمانی که دولت ترومن یک کمیته راهبردی بین سازمانی را دوباره نام‌گذاری کرد و آن را «کمیته هماهنگی عملیات روانی» نامید. هر چند در سال ۱۹۵۱ ارتش آمریکا تحولی در این اصطلاح ایجاد کرد، اما تا دهه ۱۹۶۰ اصطلاح عملیات روانی، همچون جنگ روانی، به عنوان اصطلاحی فراگیر به کار برده می‌شد (مرادی، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۳).

در این دهه، ضمن گسترش علاقه نسبت به این پدیده بعد از جنگ، اصطلاح جنگ روانی، به واژه جدید «عملیات روانی» تغییر یافت (بیابان نورد، ۱۳۸۴: ۱۲۴). این تحول ناشی از این واقعیت بود که آمریکاییان به شدت نگران به کارگیری پیوسته اصطلاحی بودند که در آن واژه، جنگ برای توصیف فعالیتی به کار رود که دوستان و بی طرف‌ها را نیز مورد هدف قرار دهد، نه صرفاً کشورهای متخاصم یا بالقوه متخاصم را، این نگرانی در بحران ۱۹۵۸ لندن و دخالت جمهوری دو مینیکن در ۱۹۶۵ تجلی یافت (مرادی، ۱۳۸۶: ۱۴). دانشگاه واشنگتن، در زمان جنگ ویتنام برای اولین بار با دعوت از پرفسور هینزبرگ، روان‌شناس یهودی‌الاصل آلمانی، عملیات روانی را به صورت آکادمیک مورد بررسی قرارداد (شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۴). لازم به ذکر است امروزه، مهم‌ترین مرکز آموزش عملیات روانی «فورست براگ» در ایالت کارولینای شمالی آمریکاست. اما برخلاف نو بودن این واژه، عملیات روانی، علمی همزاد بشر است. داستان فریب حضرت آدم توسط شیطان که در نهایت به اخراج حضرت آدم از بهشت منجر شد را نیز می‌توان اولین مصداق عملیات روانی به حساب آورد. در این خصوص، می‌توان به آیات ۱۹ و ۲۰ سوره اعراف اشاره کرد: «و ای آدم! با همسر خود در بهشت سکنا گزین! از هر آنچه که خواستید بخورید! اما به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد! سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد ... و گفت: پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر به خاطر اینکه [اگر از آن بخورید، فرشته خواهید شد، یا جاودانه] در بهشت خواهید ماند!» (جنیدی، ۱۳۸۹: ۲۱) و یا هجده‌های عملیات روانی علیه حضرت علی (ع) به حدی بود که پس از شهادت آن حضرت در محراب، عده‌ای [مردم شام] با تعجب می‌پرسیدند: مگر حضرت علی، نماز می‌خواند که در محراب شهید شده است؟! (متفکر، ۱۳۸۳: ۲۵).

در سده اخیر نیز نمونه‌های زیادی وجود دارد که به کار بستن عملیات روانی در آن، عاملی پیروزی آفرین و کلیدی بوده است (جنیدی، ۱۳۸۹: ۲۵). روی هم رفته؛ با نگاهی

گذرا به برگ تاریخ می‌توان به این نکته پی برد که جنگ روانی، از همان اوایل خلقت بشر، وجود داشته است؛ ولی هر اندازه، تاریخ بشر از گذشته‌های دور، فاصله می‌گیرد و به عصر ارتباطات، نزدیک می‌شود، بر ابعاد گستردگی و پیچیدگی جنگ روانی، افزوده می‌گردد.

۶-۳. فرماندهی نظامی

فرماندهی نظامی، هنری است که می‌توان آن را از طریق مطالعه، مشاهده، بکارگیری و تجربه آموخت، کسب کرد و توسعه داد. هنر فرماندهی نظامی، مستلزم رشد خصایص نیکوی شخصیتی، شناخت و بکارگیری اصول شناخته شده فرماندهی می‌باشد که فرمانده را در انجام مأموریت محوله موفق می‌سازد، فرمانده باید با بکارگیری اصول و فنون فرماندهی به شکل مناسب و از طریق اقدامات، دستورات، فرامین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، افراد زیر دست خود را رهبری و هدایت نماید. فرمانده، باید به طور مستمر وضعیت فرماندهی خود را مورد ارزیابی قرار دهد، قدرت و توان خود را محاسبه کند و نقایص را برطرف سازد. هدف غایی فرمانده نظامی، ایجاد و حفظ سازمان و تشکیلاتی است که در آن، انجام صادقانه و از روی اراده هر مأموریت معقول محوله یا امر شده را در صورت وجود، برعهده دارد و در صورت فقدان فرامین، اقدام ابتکاری مناسب را انجام می‌دهد. مفهوم رهبری نظامی، انجام موفقیت آمیز مأموریت، با استفاده از مجموعه عواملی همچون: تشویق، اجبار و رقابت را در سازمان مقرر و در محیط‌های متضاد، تداعی می‌کند. بنابراین، رهبری نظامی، اعمال کامل فرماندهی در چارچوب قواعد فرماندهی است. رهبر یا فرمانده نظامی، مسئول تمامی عملکردها و اقدامات یگان و واحد خود است. از مسئول آموزش برای عملیات‌ها و مدیریت سازمان خود می‌باشد. وی در مسئولیت اجرای مأموریت محوله به یگان و همچنین تأمین آسایش، سلامتی و امنیت افرادش سهیم است. فرمانده باید به این واقعیت آگاه باشد که هدف نهایی او دستیابی به حداکثر کارایی رزمی است. این امر، مستلزم وجود سازمانی است که در آن مأموریت‌های محوله از روی میل و اراده و صداقت انجام شود. ایجاد چنین سازمانی و آموزش، مدیریت، روحیه، مدیریت انسانی و نظم در آن باید در نهایت توجه قرار گیرد. مسئولیت فرماندهی، تام و تمام است. یک فرمانده، مسئول هر چیزی است که واحد او، انجام می‌دهد و یا از انجام آن، طفره می‌رود. این تعهد و مسئولیت را می‌توان به بهترین نحو، از طریق دادن اختیار و آزادی عمل به فرماندهان زیردست و تداوم انجام مأموریت محوله، از راه نظارت بر اعمال پرسنل، ایفا کرد. تمرکز بیش از حد معمول، اختیار و قدرت عمل و یا انحراف از زنجیره معمول فرماندهی، موانعی را در سر راه اجرای مأموریت، به وجود می‌آورند (گارنت، ۱۳۷۵: ۱۰۳).

۷. سیره پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌ها

پیامبر اعظم ﷺ در دروان اقامت در مکه، عملاً یک پیشوای الهی بود و فعالیت‌های او در جهت هدایت مردم و مبارزه فکری و اعتقادی با مشرکان و بت پرستان مکه، محدود می‌شد. اما پس از استقرار در مدینه، علاوه بر ابلاغ رسالت دینی و رهبری مذهبی، باید رهبری سیاسی مسلمانان را نیز به عهده می‌گرفت؛ زیرا در مدینه، وضع جدیدی پیش آمده بود. او گام‌های نخست را در جهت پی‌ریزی یک جامعه نوین بر اساس تعلیمات اسلام، برداشت. از این‌رو، خطرهای مشکلات احتمالی را پیش‌بینی کرده و به صورت یک رهبر آگاه، شایسته و دورنگر چاره‌اندیشی می‌کرد. عقد پیمان برادری میان دو گروه از مسلمانان، تنظیم و تصویب پیمان نامه عمومی و نیز امضای عدم تجاوز با یهود، نمونه‌ای از این اقدامات پیشگیرانه بود. سوره‌ها و آیاتی که (احکام و دستورات سیاسی و اجتماعی را در بردارند) در مدینه، نازل شد و راهگشای پیامبر اعظم ﷺ در این حرکت‌های سیاسی بود؛ چنان‌که از طرف خداوند، اجازه دفاع و جهاد صادر شد: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ» (حج، ۳۹-۴۰). این آیه شریفه، متضمن اذن مؤمنین، به قتل با کفار است و این اولین آیه‌ای است که درباره جهاد، نازل شده است و به دنبال آن، پیامبر اعظم ﷺ تصمیم به تشکیل یک نیروی دفاعی گرفت، البته تشکیل چنین نیرویی، با توجه به اینکه با هجرت پیامبر اعظم ﷺ و دیگر مسلمانان از مکه به مدینه دست مشرکان مکه از آزار و اذیت و شکنجه‌های مسلمانان، کوتاه شده بود و پس از هجرت، احتمال حمله نظامی به مرکز اسلام (مدینه) بود، اهمیت بسیاری داشت؛ لذا در سیره آن حضرت می‌بینیم که پس از تشکیل نیروی دفاعی، ستون‌های اعزامی برای مأموریت‌های نظامی یا عملیات گشتی در اطراف مدینه، دیده‌بانی می‌کردند. در اسلام ناب محمدی، هدف از تشکیل نیروهای مسلح و جهاد، خشونت-طلبی نیست، بلکه هدف حقیقی‌اش، تأمین امنیت و صلح است؛ صلحی که همراه با تبعیت از قوانین یکتاپرستی باشد. هدف پیامبر اسلام ﷺ، تأمین آرامش عمومی و ترویج جامعه توحیدی و تعمیم عدالت و مساوات اسلامی و زدودن شرک از صفحه گیتی و گسترش دارالاسلام بود. این موضوع را می‌توان از مطالعه سیره پیامبر در جنگ‌ها به دست آورد (اشراق، ۱۳۶۰: ۱۲۶-۱۲۹).

۷-۱. مشورت و شوری

موضوع مشورت در جامعه، خصوصاً برای رهبری، آن قدر مهم است که خداوند متعال به حبیب خود، دستور مشورت را صادر نموده است: «... فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹)؛ پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها آمرزش بطلب و در کارها با آن‌ها مشورت کن؛ اما هنگامی

که تصمیم گرفتی. قاطع باش و بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند، متوکلان را دوست دارد. خداوند در آیه دیگر، مشورت کردن را از صفات نیکان شمرده است: «وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸)؛ کارهایشان به صورت مشورت، انجام می گیرند، در میان آنهاست. البته پیامبر ﷺ هرگز در احکام الهی مشورت نمی کرد، بلکه در آنها صرفاً تابع وحی بود. بنابراین، مورد مشورت، تنها طرز اجرای دستورات و نحوه پیاده کردن احکام الهی است؛ به عبارت دیگر، آن حضرت در قانون گذاری، هیچ وقت مشورت نمی کرد و تنها در شیوه اجرای قانون، نظر مسلمانان را می خواست. لذا وقتی پیامبر اعظم پیشنهادی را مطرح می کرد و مسلمانان، نخست سؤال می کردند که آیا این یک حکم الهی و یک قانون است که قابل اظهار نظر نیست یا مربوط به چگونگی تطبیق و اجرای قانون؟ البته خداوند متعال، تصمیم نهایی در باب مشورت رسول خدا ﷺ را به خود آن حضرت، واگذار کرده است؛ چنان که می فرماید: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ...» (آل عمران، ۱۵۹)؛ هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش و بر خدا توکل کن. پیامبر اعظم ﷺ نیز به حکم آیه «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران، ۱۵۹)؛ با مردم در کارهای ضروری، به مشورت می نشست و با تشکیل جلسات شورا به آنان حق رأی می داد و آنجا که حکم قطعی الهی نبود، نظرات دیگران را می شنید و با گزینش برترین آراء، با توکل بر خدا و عزم و اراده، در انجام آن کار می کوشید، نظرات و انتقادات اشخاص را با سعه صدر می شنید که در ذیل به چند مورد اشاره می گردد:

الف) مشورت در جنگ بدر؛ آن حضرت در جنگ بدر، در سه مرحله، اصحاب خود را به مشاوره دعوت نمود:

۱. در اینکه آیا با قریش بجنگند یا خیر؟ نخست، ابوبکر گفت: بزرگان قریش و دلاوران، در این جنگ شرکت دارند و ما نیز با آمادگی کامل از مدینه بیرون نیامدیم. پیامبر ﷺ فرمود: بنشین. سپس عمر برخاست و همین حرف ها را تکرار کرد. پیامبر اعظم ﷺ دستور داد بنشین. سپس مقداد بلند شد و گفت: ای پیامبر خدا، قلوب ما با شماست. آنچه را خدا به تو دستور داده، همان را تعقیب کن و ما نیز در رکاب شما نبرد می کنیم. پیامبر ﷺ در حق او دعا کرد. در آخر، سعد بن معاذ انصاری گفت: ای پیامبر! ما به تو ایمان آورده ایم، هر چه تو تصمیم بگیری، ما از تو پیروی می کنیم... و هرگز از روبرو شدن با دشمن نمی ترسیم. ما را به فرمان خداوند به هر نقطه ای که صلاح است، روا کن. پیامبر ﷺ بلافاصله فرمان حرکت، صادر نمود و فرمود: حرکت کنید و بشارت باد به شما که ... (ر.ک: ثعابی، بی تا: ج ۲، ص ۱۱۷؛ طوسی، ۱۴۱۳: ج ۵، ص ۸۲؛ طبرسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۷؛ ابن کثیر، ۱۴۳۶: ج ۲، ص ۳۰۱؛ سیوطی، ۱۳۳۵: ج ۳، ص ۱۶۹).
۲. در اینکه محل اردوگاه، کجای میدان باشد، به مشورت پرداخت. بالاخره با مشورت

اصحاب، پیامبر اعظم ﷺ اردوگاه را کنار چاه بدر، قرار دادند.

۳. در خصوص چگونگی رفتار با اسرای جنگ بدر، نظر خواست؛ برخی، کشتن آن‌ها را ترجیح دادند و بسیاری به آزادی آن‌ها در قبال پرداخت فدیة و سر بها، رأی دادند. نظر دوم، با اکثریت تصویب شد و پیامبر ﷺ نیز همین رأی را پذیرفت.

ب) مشورت در جنگ احد؛ پیامبر اعظم ﷺ درباره شیوة جنگ احد که آیا در شهر بمانیم و از مردم دفاع کنیم یا اینکه از مدینه، بیرون رویم و با دشمن بجنگیم، به مشورت پرداخت. در نتیجه، آن حضرت، خروج از شهر را بر قلعه‌داری و جنگ تن به تن در مدینه، ترجیح داد و پس از تعیین شیوة دفاع، وارد خانه شد و زره پوشید.

ج) مشورت در جنگ خندق؛ هنگامی که پیامبر ﷺ توسط دستگاه اطلاعاتی مسلمانان، از نقشه نظامی احزاب، بر ضد اسلام، اطلاع یافت، فوراً شورای دفاعی تشکیل داد و درباره روش دفاع، به مشورت پرداخت و رأی سلمان فارسی که کندن خندق بود، به اتفاق آراء تصویب گردید و پیامبر ﷺ در کندن خندق، مانند دیگران، کلنگ به دست گرفت.

د) مشورت در جنگ خیبر؛ پیامبر ﷺ درباره فتح قلعه خیبر، به مشورت پرداخت و پس از بررسی اراضی خیبر، به رأی یکی از دلاوران اسلام بنام «حباب بن منذر» اتفاق کردند و ستاد جنگ را به پشت نخل‌ها انتقال دادند و در طول تسخیر خیبر، هر روز افسران و پیامبر ﷺ از آنجا به سوی دژها می‌آمدند و شبانگاه به ستاد ارتش باز می‌گشتند و با مشورت‌های سربازان اسلام قلعه‌های خیبر، یکی پس از دیگری، به دست آنان، فتح شدند.

ه) مشورت در جنگ تبوک؛ وقتی که ارتش اسلام برای جلوگیری از حمله احتمالی سپاه روم، به سرزمین تبوک رسید و اثری از اجتماع سپاه روم نبود، پیامبر اعظم ﷺ پیرامون پیشروی در خاک دشمن و یا بازگشت به مدینه، با سپاهیان خود به مشورت پرداخت. نتیجه مشورت این شد که سپاه اسلام، بر اثر سختی‌های زیادی که در طی راه تبوک دیده‌اند، برای تجدید قوا به مدینه باز گردد. علاوه بر این، مسلمانان در این مسافرت، به هدف عالی خود، که پراکنده ساختن سپاه روم بود، رسیده بود و رعب و هراس شدیدی در دل رومیان افکنده بودند و آن حضرت ﷺ فرمود: من نظر شما را محترم شمرده از همین جا به مدینه باز می‌گردیم (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۸).

۸. تاکتیک‌های مورد استفاده پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌ها

۱-۸. سازماندهی جنگ‌ها؛ پیامبر اعظم ﷺ به عنوان فرمانده کل قوا، همه جنگ‌ها را سازماندهی می‌کرده است. مانند: تصمیم‌گیری سریع و صحیح، شجاعت فردی و قدرت جسمی، دور اندیشی، شناخت روحیات و استعدادها، اعتماد متقابل و دوستی دو جانبه،

بهره‌گیری از شیوه‌های نو، آشنایی و به کارگیری اصول جنگ، از جمله: تعیین و تداوم اهداف، بهره‌گیری از اصل غافلگیری، پایبندی به اصل رازداری، تمرکز نیروها و صرفه جویی در قوا و بهره‌گیری از اصل تهاجم در مواقع ضروری که همه این‌ها را در میدان‌های نبرد رعایت می‌کرده و در بسیاری از نبردها و مأموریت‌های جنگی، مقاصد نهایی را مخفی می‌داشت. حتی در مواردی که کسی را به فرماندهی گروهی، منصوب می‌کرد، نامه مهر شده‌ای را می‌داد و می‌فرمود: «بعد از آنکه -مثلاً- دو روز، به فلان جهت راه سپردی، نامه سر به مهر را باز کن و به دستور آن عمل کن. سیره عملی پیامبر اعظم ﷺ و پیشوایان بزرگ اسلام نیز نشان می‌دهد که آن‌ها برای مقابله با دشمن از هیچ فرصتی غفلت نمی‌کردند. در تهیه سلاح و نفرات، تقویت روحیه سربازان، انتخاب محل اردوگاه مناسب برای حمله به دشمن و به کار بستن هرگونه تاکتیک جنگی، هیچ مطلب کوچک و بزرگی را از خود دور نمی‌ساختند. در ایام جنگ حنین، به پیامبر ﷺ خبر دادند که سلاح تازه و مؤثری در یمن، اختراع شده است، پیامبر ﷺ فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام، تهیه کنند. خدای متعال نیز به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که مؤمنان را به جنگ (با دشمنان) تشویق کند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ» (انفال، ۶۵). ۸-۲. کسب اطلاعات از دشمن؛ از آن زمانی که پیامبر ﷺ در مدینه سکنی گزید، پیوسته، مأموران زیردست را روانه اطراف می‌کرد تا حضرت را از اوضاع و خارج مدینه، آگاه سازند و پس از گزارش کارها و حرکات دشمنان، آن حضرت، کارهای لازم را برای دفع حرکات دشمنان، فراهم می‌ساخت و این، یکی از مهمترین روش‌های رسول الله ﷺ در سیره سیاسی آن حضرت است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) عباس، عموی پیامبر، هجرت نکرد، بلکه در مکه ماند و همیشه جریانات مکه را به پیغمبر گزارش می‌داد، لذا پیامبر ﷺ توانست جلوی کاروان قریش را بگیرد.

ب) پیامبر اکرم ﷺ دو نفر به نام‌های «سبیس بن جهنی» و «عدی بن ابی الزغباء» را جهت کسب اطلاعات از کاروان قریش و ابوسفیان، روانه بدر کرد. آن‌ها در مأموریت خود، این خبر را به دست آوردند که پس فردا، کاروان قریش، به اینجا (بدر) می‌رسند و این خبر مهم را با سرعت به رسول خدا ﷺ رساندند.

ج) قبل از جنگ احزاب، گزارشگران، به پیامبر ﷺ اطلاع دادند که اتحادیه نظامی نیرومندی بر ضد اسلام تشکیل شده و این اتحادیه در روز معینی حرکت و قصد دارند مدینه را محاصره نمایند. پیامبر ﷺ فوراً به مشورت پرداخت، سپس به مسلمانان دستور داد که اطراف شهر را خندق حفر کنند.

د) آن حضرت، حذیفه بن یمان را مأمور ساخت که شب هنگام، میان قریش در جنگ خندق برود و از وضع و تصمیم آن‌ها رسول خدا ﷺ را با خبر سازد و حذیفه، مأموریت خود را انجام داد.

و) در فتح مکه، یکی از مسلمین مدینه به دوستش در مکه، نامه‌ای نوشت و به وی اطلاع داد که محمد به قصد تسخیر مکه تجهیزات جنگی زیادی برای یک سفر جنگی تهیه نموده و به شهر حمله خواهد کرد. پیامبر ﷺ از این جریان مطلع شد و علی ۷ را فرستاد تا زنی را که به طرز مرموزی، از مدینه حرکت کرده و سوار بر شتر بود، دستگیر کند. علی ۷ با سرعت خود را به آن زن رساند و نامه را طلب نمود، زن منکر شد. بالاخره، حضرت به او اخطار دادند، آنگاه، مجبور شد که نامه را از میان موهای سرش درآورد و تسلیم حضرت کند. علی ۷ نامه را نزد پیامبر آورد (حلبی، بی‌تا: ج ۲، صص ۳۲۶-۳۲۷).

۸-۳. ایجاد اختلاف در اردوی دشمن؛ در جنگ احزاب که مدینه، حدود یک ماه در محاصره دشمن بود؛ روزی، نعیم بن مسعود تازه مسلمان خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول الله! من، تازه مسلمان شدم و برای اطاعت از دستور شما حاضرم. آن حضرت فرمود: تو در میان ما، یک نفر بیش نیستی، ولی اگر می‌توانی به وسیله‌ای، میان دشمن اختلاف بیانداز؛ زیرا نیرنگ در جنگ‌ها، به کار می‌رود. نعیم، یکسره به نزد بنی قریظه رفت و گفت: دوستی مرا که می‌دانید، بدانید که قریش و غطفان، مانند شما نیستند. اینجا شهر شما و سرزمین شما است و همیشه اینجا مستقر هستید. اما قریش و غطفان، از جای دور آمدند، اگر پیروز شوند، غنیمتی به دست می‌آورند و می‌روند؛ اگر اوضاع، تاریک بود و شکست بخورند، به شهرهایشان می‌روند و شما همیشه در مقابل محمد ﷺ هستید و در تهدید، به سر می‌برید و توان مقاومت با محمد ﷺ را ندارید؛ لذا پیشنهاد می‌کنم به نیروی احزاب بگویید برای اطمینان، چند نفر از بزرگان قریش و غطفان را به عنوان گروگان، نزد ما بگذارید و الا به جنگ با محمد ﷺ اقدام نکنید. بنی قریظه، حرف نعیم بن مسعود را با دل و جان شنیدند و پذیرفتند.

از آن سو به نزد قریش آمده به ابوسفیان و سایر سران آن‌ها گفت: من نسبت به شما علاقه زیادی دارم که آگاهید و خبری شنیدم که باید شما را آگاه سازم و آن، اینکه یهودیان از شکست پیمان خود با محمد ﷺ پشیمان شده‌اند و می‌خواهند به هر صورت شده، آن را به نوعی جبران کنند؛ لذا تصمیم دارند چند نفر از بزرگان شما را به عنوان گروگان بگیرند و به محمد ﷺ تحویل دهند و از این راه، صداقت خود را نشان دهند و محمد ﷺ را از خود راضی کنند و نیز به او قول داده‌اند تا آخر جنگ، مسلمین را یاری خواهند کرد؛ لذا شما نباید گروگان دادن بزرگان را بپذیرید. سپس نعیم نزد قبيله غطفان رفت و همان حرف‌ها را تکرار کرد و از گروگان گذاشتن بزرگان بر حذر داشت. خبر نعیم بن مسعود نیروهای احزاب را به شدت نگران ساخت در نتیجه سران قریش و غطفان نمایندگان تعیین نمودند تا با بنی قریظه مذاکره کنند و فردا حمله را آغاز کنند. بنی قریظه در جواب آن‌ها گفتند: فردا که شبیه است و ما به هیچ کاری دست نمی‌زنیم و

از این گذشته، تا چند نفر از بزرگان را به عنوان گروگان به ما ندهید، ما اقدام به جنگ نمی‌کنیم؛ زیرا ممکن است جنگ، ادامه پیدا کند و شما به شهرهای خود برگردید و ما را در مقابل محمد ﷺ تنها بگذارید، آن وقت ما نیروی مقاومت با او را نداریم. از این سخن، دلسردی عجیبی در میان آن‌ها به وجود آمد و این مطلب، شایع شد و موجب متفرق شدن آن‌ها گردید (آخوندی، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

۴-۸. وحشت انداختن در دل دشمن. یکی از تاکتیک‌های مهم نظامی ایجاد وحشت و رعب در دل دشمن است و این موضوع، در شکست دادن دشمن، سهم به سزایی دارد. پیامبر اعظم ﷺ در رویارویی با دشمن، از این امر مهم استفاده می‌کرد. چنان که فتح مکه، نتیجهٔ ایجاد وحشت در دل دشمنان است. پیامبر ﷺ برای فتح مکه و گشودن محکم‌ترین دژهای بت پرستی و برانداختن حکومت ظالمانهٔ قریش (که بزرگترین سد در راه پیشرفت آئین توحید بود)، بسیج عمومی اعلام کرد و همراه ده هزار نفر سپاهیان اسلام به منطقه «مَرَّ الظَّهْرَان» (چند کیلومتری مکه) رسیدند و برای ایجاد رعب و هراس در دل مردم مکه، دستور داد که سربازان اسلام در نقاط مرتفع آتش افروزند و هر کسی به‌طور مستقل، آتش افروخته تا نواری از شعله‌های آتش، کلیهٔ کوه‌ها و نقاط مرتفع را فراگیرد. مردم مکه، یک‌باره متوجه شدند که در محاصرهٔ کامل قرار گرفته‌اند و آتش همچون دایره‌ای، شهر مکه را احاطه نموده است. در این لحظه، سران قریش مانند ابوسفیان بن حرب و حکیم بن حزام برای تحقیق از مکه بیرون آمده و به جستجو پرداختند و وقتی که توسط عباس -عموی پیامبر- از قدرت و عظمت سپاه پیامبر ﷺ مطلع شدند، از ترس به فکر تسلیم افتادند و مکه، بدون جنگ تصرف شد (مجلسی، ۱۳۵۶: ۴۴).

۵-۸. حضور در صحنه جنگ؛ پیامبر اعظم ﷺ در جنگ‌هایی که خودش شرکت می‌کرد، شخصاً فرماندهی را به عهده داشت و دستورات لازم را صادر می‌کرد و با سپردن مأموریت مناسب به هر یک از یگان‌های لازم، اصل همکاری را در همهٔ غزوها حفظ می‌کرد و با ایجاد همکاری میان صفوف گوناگون در زمان مناسب، راه پیروزی سپاه خویش را هموار می‌ساخت. دربارهٔ حضور آن حضرت در جنگ بدر، آمده است که حضرت از مقرر فرماندهی دستور داد از حمله، خودداری نمایند و با تیراندازی، از پیشروی دشمن جلوگیری کنید. خودشان نیز شجاعانه به جنگ می‌پرداخت؛ طوری که علی ۷ می‌فرماید: هرگاه آتش جنگ، شعله می‌کشید، ما به رسول خدا پناه می‌بردیم که در آن لحظه، کسی از ما همانند پیامبر ﷺ به دشمن نزدیکتر نبود. آن حضرت، قبل از آغاز جنگ، لشکر خود را منظم می‌ساخت و تبلیغ می‌کرد و روحیهٔ سربازان اسلام را تقویت می‌کرد و فنون و تاکتیک‌های نظامی را به آن‌ها آموزش می‌داد. چنان که در جنگ احد، برای خالی نگذاشتن سنگرهای مهم، توصیهٔ فراوان نموده بود تا دشمن از پشت بر مسلمانان حمله نکند، اما آیندهٔ احد و

شکست مسلمانان نشان داد که این شکست در نتیجه سرپیچی از فرمان پیامبر ﷺ و به خاطر خالی گذاشتن سنگر حساس بود (ابن کثیر، ۱۴۳۶: ۵۷۰).

۸-۶. اصل خلاقیت و نوآوری؛ عامل دیگری موفقیت پیامبر ﷺ در جنگ‌ها این است که ایشان، دارای ویژگی خلاقیت و نوآوری بود. معمولاً مدیران خلاق، از وضع موجود، راضی نیستند، ریسک پذیرند و در شرایط خاص، تغییر شیوه می‌دهند. پیامبر ﷺ نیز از این ویژگی، برخوردار بود. از طرح‌ها و تاکتیک‌های جدید، استقبال می‌کرد. در جنگ خندق، تغییر شیوه داده و از شیوه حفر خندق در جلوی پای دشمن، استفاده کرد. در دنیای آن روز، در امپراطوری ایران و روم، حفر خندق معمول بود ولی در شبه جزیره عربستان، حفر خندق، سابقه نداشت. شیوه جنگی عرب‌ها، مبتنی بر کُر و فَر بود. در جنگ خندق، هنگامی که ده هزار نفر به فرماندهی ابوسفیان، خودشان را به مدینه رسانیدند، وقتی خندق را در جلو پای‌شان دیدند، کاملاً متحیر شدند. آن‌ها شیوه گذشتن از خندق را نمی‌دانستند و لذا بیش از یک ماه در پشت خندق، متوقف شدند. سپاه احزاب ۶۰۰ سواره نظام داشتند و بقیه، پیاده نظام بودند. هدف پروژه خندق، جلوگیری از تهاجم اولیه سواره نظام دشمن بود که اگر خندق نمی‌بود، ۶۰۰ اسب سوار دشمن، در همان تهاجم اولیه به صورت برق‌آسا، خودشان را به مقر فرماندهی سپاه اسلام می‌رسانید.

پروژه خندق که تحت مدیریت عالی پیامبر اکرم ﷺ در کمتر از ده روز تکمیل شد، از این نظر، صد درصد به اهدافش رسید؛ یعنی از تهاجم اولیه سواره نظام دشمن، جلوگیری کرد و خسارات مالی و جانی مسلمانان را نیز به صفر رسانید. در اینجا بود که لشکر اسلام به یاری ابتکار روش‌های جدید در جنگ، با حفر خندق و همچنین با فرمانده یگانه و خویشتن‌دار به کارگیری خدعه و برتری روح معنویت بر قریش و هم‌پیمانان آنان، به پیروزی رسید. در نتیجه، این پیروزی از آوازه و هیبت قریش نزد قبائل عرب کاسته شده و مرکزیت و محوریت سیاسی و نظامی آنان، از دست رفت. ارزش ابوسفیان، با این شکست به عنوان فرمانده، سقوط کرد و محوریت او در میان هم‌پیمانان، سست گردید؛ زیرا به وسیله حفر خندق، شکست سختی خورد و با فرار قبیله غطفان و همراهان آنان، ننگی بر چهره قریش نهاده شد و بر ایشان ثابت گردید که در پیروزی بر این لشکر بی‌ارزش، ناتوان هستند.

یهود، پس از این جنگ، هراسیده و به علت نقض پیمان خویش با مسلمانان، به نابودی خود، مطمئن شدند. پیامبر ﷺ نیز بلافاصله بنی‌قریظه را محاصره کرده و در پاکسازی آنان از مدینه، موفق شد. باید گفت این جنگ، نقطه عطف در موضع لشکر اسلامی از حالت دفاعی به هجومی بود. این پیروزی، صلح حدیبیه را به دنبال داشت که به مثابه پیروزی عظیم اسلام بود؛ اما قریش، این صلح را نقض کرده و ضمن بررسی راهی برای خروج از آن،

در پی فرصتی بودند تا در مقابل لشکر اسلام بایستند. در نتیجه، پیامبر ﷺ برای غزوه فتح تعجیل کرد و به میان شهر و خانه‌های آنان، هجوم برد. او برای داخل شدن به مکه، نقشه‌ای محرمانه کشیده و با این نقشه، تاکتیک هجوم ناگهانی را تحقق بخشید و پس از آنکه قریش را با بهت، تسلیم و عدم توان بر جنگ و مقاومت در مقابل این لشکر مواجه ساخت داخل مکه شد و بر دشمنان خود پیروزی یافت. قریش نیز پس از این پیروزی، به رهبریت رسول اکرم ﷺ اقرار کرده و به دین جدید ایمان آوردند (نجفی یزدی، بی‌تا: ۴۰).

۷-۸. تاکتیک مسلمین در غزوه بدر؛ در جنگ بدر، قریش برای نهصد و پنجاه مرد جنگی، هفتصد شتر و یکصد اسب داشتند؛ در حالی که مسلمین، برای سیصد و سیزده مرد، بیش از هفتاد شتر و دو اسب نداشتند. پیامبر ﷺ به مسلمین فرمود تا امروز، اعراب در جنگ‌ها، انفرادی می‌جنگیدند و جنگ تن به تن را ترجیح می‌دادند و هر کس می‌کوشید به تنهایی ابراز شجاعت کند تا به جلوه درآید و دیگران او را به عنوان قهرمان بشناسد، ولی ما در این جنگ، برای خدا پیکار می‌کنیم نه برای خودمان و خداوند، جان‌فشانی یکایک ما را می‌بیند. دیگر اینکه شمار سربازان ما در این جنگ، یک سوم سربازان مکه است. اگر انفرادی بجنگیم، نابود خواهیم شد، اما اگر دسته جمعی پیکار نماییم، امید پیروزی داریم. سپس پیامبر اکرم ﷺ تاکتیکی را به مسلمین آموخت که تقریباً هزار سال قبل از آن تاریخ (فیلیپ)، پدر اسکندر مقدونی، تاکتیک مزبور را ابداع کرد و در زبان یونانی آن را (فالانث) می‌خواندند. فالانث، عبارت از این بود که سربازان، کنار هم می‌ایستادند، به طوری که تهی‌گاه هر یک از آن‌ها بر تهی‌گاه دیگری می‌چسبید و بعد صف آن‌ها خم می‌شد و به شکل مثلث یا مربع یا دایره در می‌آمد. در آن مثلث یا مربع یا دایره، روی تمام سربازان به یک طرف یعنی به سوی دشمن بود و پشت آن‌ها به داخل مربع یا مثلث و دایره بود. در نتیجه، دشمن نمی‌توانست از عقب به آن‌ها حمله کند. برای اینکه به هر طرف که می‌رفت با روی سربازان مواجه می‌گردید.

پیامبر ﷺ برای اولین بار در تاریخ جزیره‌العرب، این تاکتیک نظامی را وارد عربستان کرد و در جنگ بدر، مورد استفاده قرار داد و آنچه که سبب پیروزی مسلمانان در جنگ بدر شد، همین تاکتیک بدون سابقه در عربستان بود. فالانث‌های سپاه اسلام که در آن روز، به وسیله محمد ﷺ به وجود آمد، مثلث بود و سه پرچم در سه ضلع آن دیده می‌شد. محمد ﷺ در آن روز، از خود، نبوغ نظامی در جزیره‌العرب نشان داد؛ زیرا سه دسته مثلث شکل به وجود آورد که هریک از آن‌ها مکمل و پشتیبان دیگری بود و خصم، از هر طرف که حمله می‌کرد، به یکی از این دست‌ها برخورد می‌نمود و در عین حال، هر دسته، پشتیبان دسته دیگری محسوب می‌شد. در هر فالانث یعنی در هر دسته مثلث شکل، یک پرچم‌دار دیده می‌شد. پرچم‌دار فالانث اول، علی بن ابی‌طالب بود و پرچم سفیدی در

دست داشت و روی پرچم، نقش یک عقاب به نظر می‌رسید. پرچم فالانژ دوم را مصعب بن عمیر از مهاجرین به دست گرفته بود و پرچم فالانژ سوم را یکی از انصار به دست گرفته بود. پیامبر اسلام، جای اردوی مسلمین را طوری قرار داده بود که آفتاب از طرف جلو به چشم‌های آن‌ها نتابد تا اینکه دیده‌گان آن‌ها را خیره کند. این ابتکارات، حکایت از این می‌کند که پیامبر ﷺ از فنون جنگی اطلاع داشت و ما نمی‌دانیم که آن مرد بزرگ، فن جنگ را در کجا آموخته بود. انسان، حیرت می‌کند چگونه محمد ﷺ که سربازانش، یک سوم سربازان قشون مکه بود، جرأت کرد با قشون مکه در منطقه نبرد، پیکار کند. پیامبر اکرم ﷺ در ابتدای جنگ، آیاتی از کلام الله مجید را قرائت کرد و سپس، مسلمین را وعده به بهشت داد. آهنگ رسول خدا ﷺ طوری بود که مسلمین به وجد آمدند. یکی از مسلمین، از میان صفوف فریاد زد: بین من و بهشت چند فاصله است؟ جواب شنید: بین تو و بهشت، تا جنگ با کفار. آن شخص، چند دانه خرما در دست داشت، خرماها را دور ریخت و از صف خارج شد با کفار جنگ کرد. در همان لحظات اول، کشته شد. پیامبر ﷺ فریاد زد: برای رفتن به بهشت، از صف خارج نشوید. این‌ها نشان می‌دهد که تاکتیک صف از اهمیت نظامی بسیار فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است. حال پیامبر ﷺ شیوه صف را که کاملاً بدیع و جدید بوده است و نظیرش قبلاً در شبه جزیره عربستان، در جنگ‌ها معمول نبوده است، از کجا آموخته است و چه کسی به او آموزش داده است، معلوم نیست. پیامبر اکرم ﷺ در جنگ تا زمانی که تعداد نفرات مسلمین، اندک بوده و تعداد نفرات دشمن، چندین برابر مسلمین بوده است، از شیوه صف استفاده می‌کرده است. لذا می‌بینیم در جنگ احد نیز از این شیوه، استفاده کرده است. در جنگ احد، قبل از اینکه جنگ، آغاز شود، محمد ﷺ در بامداد، زره بر تن کرده، خطاب به مسلمین گفت: تاکتیک کلی جنگی ما امروز، همان تاکتیک جنگ بدر است. یعنی باید فالانژ تشکیل بدهیم تا خصم از هر طرف که حمله کند، مواجه با روی سربازان بشود.

در امتداد جنوب، یک تپه کم ارتفاع دیده می‌شد که موسوم بود به تپه عینین که نظر محمد ﷺ را به خودش جلب کرد. محمد ﷺ دو دسته از پیادگان مسلمان را که همه، تیر انداز بودند، به فرماندهی عبدالله بن جبیر، مأمور کرد که بالای تپه قرار بگیرند. تپه عینین، از لحاظ استراتژی جنگ، بسیار اهمیت داشت و محمد ﷺ با نبوغ نظامی و مهارت فنی، به اهمیت آن تپه، پی برد. منطقه‌ای که مسلمین در آن، موضع گرفته بودند، یک نوع فرورفتگی داشت و در دامنه کوه احد قرار داشت که خصم نمی‌توانست از هیچ راهی از پشت سر مسلمانان، سر به در آورد. با اینکه نیروی بت پرستان مکه، بیش از چهار برابر نیروی مسلمین، به شمار می‌آمد، از نخستین دقایق جنگ، معلوم بود که موفقیت، با مسلمین است. همه این‌ها نشان می‌دهد که محمد ﷺ دارای نبوغ نظامی بوده و از

مهارت فنی بسیار بالایی برخوردار بوده است و توان تشخیص موقعیت خود و موقعیت دشمن را داشته است و در انتخاب میادین نبرد و آرایش نظامی و مکان‌های استراتژیک و سوق الجیشی، کم‌نظیر بوده است (نجفی یزدی، بی-تا: ۴۱).

۹. تاکتیک عملیات روانی در عصر پیامبر ﷺ

تاریخ عملیات روانی، از تاریخ حیات بشر، جدا نیست؛ اما همیشه با این عنوان، به کار گرفته نشده است و مانند سایر مفاهیم، در بستر تاریخ و همراه با مقتضیات زمان و مکان، متحول بوده و سیر تطور خود را تا امروز، پیموده است؛ به گونه‌ای که در عصر حاضر، با استفاده از فن‌آوری، بر پیچیدگی آن، افزوده شده است. در قرآن کریم، آیات زیادی وجود دارد که بیشتر آن‌ها مربوط به جنگ‌های صدر اسلام، در عصر پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد. بخشی از این آیات، در مقام پاسخگویی به عملیات روانی دشمن و خنثی کردن توطئه‌های آنان می‌باشند و بخش دیگری از آیات، که جنبه تعرضی دارند، می‌خواهند روحیه طرف مقابل را تحت تأثیر قرار داده، او را به تسلیم وادارند و بخشی دیگر از آیات نیز در زمانی که مسلمانان، احساس ضعف و شکست می‌کنند، در صدد تقویت روحیه آنان است. پیامبر اکرم ﷺ با نقشی همه‌جانبه که در جنگ‌ها به کار گرفته بود، دگرگونی بزرگی در آئین نبردهای جدید به وجود آورد. وی، جنگ را به تمام جبهه‌ها کشاند و از هر سلاحی که در اختیارش بود، بهره گرفت و همان‌طور که نبرد همه‌جانبه در تمام جبهه‌ها جریان داشت، «عملیات روانی» نیز با شدت، مورد استفاده قرار می‌گرفت. جنگ‌های مسلحانه، نتیجه عوامل نظامی، اقتصادی و روانی بوده است و به همین دلیل، به «نبرد همه‌جانبه» تعبیر می‌شود (طلاس، بی‌تا: ۵۱۵-۵۱۶).

۹-۱. چارچوب جنگ روانی در اسلام.

امروزه، در استراتژی‌های ترسیم شده از سوی استکبار، جنگ روانی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به عنوان نمونه، جنگ روانی در استراتژی نظامی رژیم اشغالگر قدس، بر سه اصل استوار است:

الف) تظاهر به شکست‌ناپذیری ارتش اسرائیل؛

ب) ایجاد شک و تفرقه بین رهبران و مردمان کشور مقابل و نیز افراد ارتش نسبت به فرماندهان؛

ج) ایجاد تردید در پیروزی قطعی اعراب بر اسرائیل (ربابه نمازی، ۱۳۶۸: ۷۶). تفاوت عملیات روانی در اسلام با آنچه در جهان کفر، از آن به جنگ روانی یاد می‌شود، تفاوتی است جوهری، که از مبانی عقیدتی نشأت می‌گیرد. برداشت جوامع غرب از این پدیده، بر پایه اندیشه‌های «ماکیاولی» استوار است، که کسب پیروزی را از هر راهی مجاز

می‌داند. چنانچه جنگ‌های قرن اخیر شاهی بر اثبات این مدعی است و نمونه بارز آن، جنایات و سفاکی‌های صرب‌ها علیه مسلمانان بوسنی هرزگوین می‌باشد. در مطالعه آثار سیاست-مدارنی مشهور نظیر: «کلاس ویتز»، «دوهه»، «ژومینی»، «ناپلئون»، «لنین» و «مائو» نیز این مسأله به چشم می‌خورد (باقری، بی تا: ۶).

در مکتب اسلام، اگرچه به کارگیری جنگ روانی علیه دشمن، مجاز شمرده شده است، اما چارچوب خاصی را می‌طلبد. به عبارت دیگر، مقید است و نه مطلق، و این امر، تا جایی مجاز شمرده شده که به اصول و ارزش‌ها و کرامت‌های انسانی - که اسلام برای آن، اهمیتی فوق‌العاده قائل است - لطمه‌ای وارد نسازد. اگر از نظر جهان غرب، بر اساس تعالیم «ماکیاولی» هدف، وسیله را توجیه می‌کند؛ در اسلام، چنین روشی پذیرفته نیست. چنانچه پیامبر اسلام ﷺ در جنگ طائف، جهت ایجاد جنگ روانی و در نهایت تسلیم خصم، به قطع اشجار اقدام ننمود، عملاً این کار را انجام نداد و تنها وانمود کرد که چنین می‌کند (سبحانی، بی تا: ۳۶۲).

امروزه در غرب، بمباران هوایی مناطق مسکونی، جهت ایجاد رعب و وحشت و استفاده از انواع تبلیغات صوتی و تصویری برای به زانو درآوردن طرف مقابل، امری بدیهی و پیش پا افتاده است، و خود، پایه‌ی یکی از استراتژی‌های استکبار را در قرن حاضر تشکیل می‌دهد. در واقع، همان‌طور که در جنگ‌ها، مسلمین از جهت مقصد و انگیزه با مخالفین خود تفاوت دارند، از جهت استخدام وسایل در راستای وصول به پیروزی و هدف نیز متفاوتند؛ چراکه کاربرد وسایل ناجوانمردانه با هدف آن‌ها که نشر فضیلت است، منافات دارد. برخلاف آنکه بنی‌امیه و در رأس آن‌ها معاویه، نمونه‌ی عینی مکتب ماکیاولیسم می‌باشد؛ در مقابل، «مسلم بن عقیل» به عنوان رزمنده‌ای مسلمان و نائب حضرت امام حسین ۷ حاضر نیست با وجود آنکه شرایط کاملاً فراهم است «عبیدالله ابن زیاد» را در خانه «هانی ابن عروه» غافلگیرانه بکشد و می‌گوید: «أنا أهل بیت نکر الغدر» (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۱۸).

روایاتی که در تأیید جنگ روانی بیان گردید گواه آن است که اسلام از آنجا که مکتبی است که دیانت و سیاست را چون دو بال ترقی پذیرفته است، نیازمند نیروهای کارآمد و توانمندی است که باطنی الهی داشته و کیاست و سیاست لازم را برای پیشبرد اهداف الهی، اسلامی دارا باشند. چنین افرادی، اگر در جوامعی که اهل آن، عادت به شیطنیت و فریبکاری دارند و آن را مایه‌ی مباحات خود می‌دانند، قرار گیرند آلوده به فریب‌ها و فریبکاری‌ها نمی‌شوند، نه کلاه سر کسی می‌گذارند و نه کلاه سرشان می‌رود. در واقع، ویژگی چنین نیروهایی، آن است که نه آن قدر ساده لوح هستند که آلت دست سیاست‌بازان مادی‌گرا قرار گیرند و بدین سان، ضربات مهلکی که در تاریخ نمونه‌اش کم نیست بر پیکر مقدس اسلام وارد کنند و نه جزء سیاست‌بازانی هستند که تبعیت از هواهای نفسانی می‌کنند و

بعضاً برای حفظ موفقیت خویش، آیاتی را نیز مستمسک عمل خویش قرار می‌دهند؛ چنین انسان‌هایی، محتاج تربیت اسلامی - خصوصاً در زمینه تربیت سیاسی، اطلاعاتی - می‌باشند. اینان، بایستی از تقوای یک بعدی که برخی گوشه‌نشینان، از آن برخوردارند، فراتر رفته و تقوای جامع را کسب کنند و در عین حضور در صحنه اجتماع و سیاست، تقوا را مراعات نمایند و بایستی متصف به صفاتی خاص باشند تا بتوانند وظایفی نظیر: شناخت اوضاع زمانه - به مصداق کلام حضرت امام صادق ۷ -، کتمان سر، کسب اطلاعات و هوشیاری و... را به خوبی انجام دهند.

بیان امام علی ۷ که می‌فرماید: «لولا کراهیة الغدر لکنت من أدهی الناس ولكن کل غدره فجرة و کل فجرة کفره» (سید رضی، خطبه ۱۹۱)، بیانگر همین مطلب است. یعنی انسان مسلمان، بایستی آن قدر سیاست و هوشیاری داشته باشد که دشمن را شناخته و انواع توطئه‌های او را آزمایش و کشف کند. در واقع، ویژگی روحی و نفسانی یک انسان مسلمان، بایستی پیچیده‌تر از یک انسان سیاست‌باز ماکیاولیست و منافق باشد، به طوری که قدرت کشف فریب‌ها و شیطنتهای آن‌ها را داشته باشد و هیچ وقت غافلگیر نشود؛ شناخت حیل‌های استکباری و نیرنگ‌های آنان از لوازم یک انسان کارآمد مسلمان است. در واقع، راه مقابله با شیطنتهای تبلیغاتی، روانی دشمن، شناخت راه‌ها و مغالطه‌های آن‌هاست و با کشف آن‌هاست که می‌توان آن‌ها را خنثی کرد.

روایاتی که واژه خدعه در آن‌ها دیده می‌شود، بیانگر آن است که انسان مسلمان، در مقابله با دشمن، بایستی تا حدی از این روش‌ها استفاده کند که شرع، اجازه می‌دهد. در این صورت، دیگر این روش‌ها را نمی‌توان نیرنگ نامید؛ بلکه سیاست و زیرکی به حساب می‌آید و «المؤمن کیس فطن» بیانگر همین نکته است. «الحرب خدعة» یعنی اینکه بایستی در جنگ، کیاست و زرنگی و چاره‌اندیشی را مد نظر قرار داد؛ همچون برخورد‌های اطلاعاتی پیامبر اسلام ۶ در جنگ بدر که «ما از آبیم» و همچون برخورد هوشیارانه «حذیفه بن یمان» در جنگ خندق که «قنبر» قبل از اینکه دشمن، اسم او را بپرسد، او پیش دستی می‌کند و مشخصات طرف مقابل را می‌پرسد و بدین ترتیب، از مهلکه، جان سالم به در می‌برد و همچون بیان حضرت ابراهیم ۷ در قرآن کریم، هنگامی که تبر را بر گردن بت بزرگ تر انداخت و... این‌ها همه، بیانگر مفهومی است که از آیات و روایات به دست می‌آید و دلایلی برای بحث ما می‌باشد. در واقع، فرق اصلی کیاست و هوشیاری، با مکر و حیل و خدعه، در مطابقت و عدم مطابقت آن با شرع مقدس است. البته خود شرع، در مواردی دستوراتی دارد که از قوانین عمومی خارجند ولی همگی در مسیر اصلاح و سازندگی است. فرق مهم دیگر آنکه خدعه در راه‌های نفسانی به کار می‌رود ولی کیاست در راه خدا و آخرت و دین است و علایم آن مشخص است (نجفی، ۱۳۶۲: ۸۰).

۹-۲. عملیات روانی در بستر تاریخ اسلام

پس از آنکه پیامبر اسلام ﷺ پس از سه سال دعوت مخفی، دعوت خود را علنی کرد، مخالفت‌های مشرکان مکه نیز به شکل‌های مختلف، از قبیل تطمیع، استفاده از زور و شکنجه و جنگ روانی شروع شد. به عنوان نمونه، پیامبر اکرم ﷺ در ایام حج و غیر آن، مردم را به آئین خود دعوت می‌کرد، ولی از آن سو، ابولهب، پشت سر پیامبر ﷺ با همان افراد، تماس برقرار می‌کرد و اثر تبلیغ پیامبر ﷺ را با این بیان که «وی، پسر برادر من است و دیوانه است» خنثی می‌کرد. شکنجه بلال حبشی، یاسر، سمیه، عمار و... نمونه‌هایی از جنگ روانی دشمن، علیه اسلام است. پس از هجرت پیامبر اسلام ﷺ به مدینه و نزول آیات جهاد، نبرد سربازان اسلام به فرماندهی پیامبر اسلام ﷺ علیه کفار و مشرکین، وارد مرحله جدیدی می‌شود. در کمتر جنگ و نبردی است که در آن، طرفین جنگ، از جنگ روانی استفاده نکرده باشند. ابزارهای جنگ روانی، متناسب با امکانات و وسایل متعارف آن روز بوده است و بدیهی است که اهداف متعددی را تعقیب می‌کرده که در نهایت، تسلیم طرف مقابل، مد نظر بوده است.

۹-۳. ابزارها و محورهای عملیات روانی

الف) انتشار شایعه؛ در جنگ، انتشار شایعه، مهمترین حربه تبلیغاتی علیه دشمن می‌باشد. از این رو، دست‌اندرکاران، همواره به نیروهای خود متذکر می‌شوند که اخبار را فقط از کانال‌های خاصی بپذیرند. در برخوردهای نظامی صدر اسلام نیز این وسیله، در خدمت فعالیت تبلیغاتی، علیه حریف، به شمار می‌رفته است. از جمله شایعات مهم کفار علیه مسلمین، در جنگ «احد»، شایعه شهادت پیامبر اسلام ﷺ بود که تأثیر منفی در روحیه سربازان اسلام داشته است و یا شایعه انعقاد صلح بین امام حسن مجتبی ۷ و معاویه، توسط سربازان معاویه که باعث تضعیف روحیه مسلمانان گردید و آنان را وادار نمود تا عملاً به صلح تن در دهند. در جبهه اسلام نیز تلاش‌های تبلیغی «نعم بن مسعود»، تازه مسلمانی که نقش مهمی در پیروزی مسلمین در جنگ خندق ایفا کرد، را می‌توان ذکر کرد و یا عمل به حدیث: «تکلموا بما شئتم» که قبلاً بدان اشاره شد، نشر شایعه را شامل می‌شود (رشیدی و آذر، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

ب) رجز خوانی و استفاده از شعارهای رزمی؛ رجز خوانی و انتخاب اسامی رمز و شعارهای رزمی، از عوامل عمده تقویت روحیه خودی و تضعیف روحیه دشمن می‌باشد. «شعار»، از دید اسلامی، سخنی است که به وسیله آن، افراد جبهه خودی شناخته شده و علامت و رمزی در آن نهفته است. چنان که امام صادق ۷ طی حدیثی می‌فرماید: «شعار ما «یا محمد یا محمد» است، و شعار ما در جنگ بدر «یا نصرالله اقترَب» و شعار مسلمین در

جنگ احد «یا نصرالله اقترب» و جنگ بنی‌نضیر «یا روح‌القدس ارح» و جنگ بنی‌قینقاع «یا ربنا لا یغلبنک» و در جنگ طائف «یا رضوان» و شعار جنگ حنین «یا بنی‌عبدالله یا بنی‌عبدالله» و در جنگ احزاب «حم لا ینصرون» و در جنگ بنی‌قریظه «یا سلام أسلمهم» و در جنگ مریسیع که عبارت از جنگ بنی‌مطلق است، «الا الی الله الامر» و در جنگ حدیبیه «ألا لعنة الله علی الظالمین» و در جنگ خیبر که روز سختی بود «یا علی آتهم من عل» و در روز فتح مکه «نحن عبادالله حقاً حقاً» و در جنگ تبوک «یا احد و یا صمد» و در جنگ بنی‌الملوح «امت امت» و در جنگ صفین «یا نصرالله» و شعار امام حسین در روز عاشورا «یا محمد» و شعار ما «یا محمد» است. امام علی ۷ در جنگ جمل، جهت تقویت نیروی خود، از شعار «یا منصور امت» و یا شعار «حم لا ینصرون» که هر دو از ابتکارات جنگی پیامبر ۶ علیه مشرکین است، استفاده می‌کند. بهره‌گیری از این شعارها، در تزلزل روحیه دشمن، تأثیر داشت؛ زیرا یادآور خاطره نبرد مسلمانان با مشرکین بود. از این‌رو، عایشه نیز در جنگ جمل، جهت تقویت روحیه هوادارانش، به تقلید از روش پیامبر اسلام ۶ به برخی رفتارها دست زد (نجفی، ۱۳۶۲: ۵۵).

ج) استفاده از اشعار رزمی و حماسی؛ کمتر جنگی در تاریخ اسلام به وقوع پیوسته که از شعر، در آن به عنوان ابزاری برای تضعیف روحیه حریف، استفاده نشده باشد. یاران امام حسین ۷ پس از معرفی خود، ضمن شعری، مکتب و هدف خود را معرفی می‌کردند؛ تا بدین وسیله، حقانیت خویش را ثابت کنند. در جریان جنگ احد، مسلمانان اشعار کفار را با شعر، پاسخ می‌دادند و بدین وسیله، منطق قوی و عالی خود را تبیین می‌کردند. در جریان جنگ جمل «حکیم بن مناف» با خواندن اشعاری، روح تازه‌ای در کالبد یاران امام علی ۷ می‌دمید. از این‌رو، سرودن شعر در میدان کارزار، تأثیر مهمی بر جای می‌گذارد (سبحانی، بی‌تا: ۴۱۰).

د) لاف زنی و تظاهر به قوی بودن؛ در اخلاق فردی، خودنمایی و تظاهر، از صفات نکوهیده است، اما همین امر، در میدان کارزار و در برابر دشمن، از صفات نیک به شمار می‌رود. چنانچه پیامبر ۶ رفتار تحقیرآمیز «ابو دجانه» را در جنگ احد می‌ستاید. تظاهر به قوی بودن، از دیدگاه روان‌شناسی، بازدارندگی طرف مقابل را در پی دارد و به حکم آیه «و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه» (انفال، ۶۰)؛ باید توانایی‌های رزمندگان، از هر جهت در میدان نبرد تحقق یابد. در تاریخ اسلام، هنگام فتح مکه، شاهد روشن کردن آتش در اطراف مکه هستیم که باعث دلهره و ترس عجیبی در دشمن می‌شود. در یکی دیگر از جنگ‌ها به علت قلت سپاه اسلام، فرمانده سپاه، تصمیم می‌گیرد تا با یک خدعه جنگی، شب هنگام، تعداد زیادی از سربازان خود را از نقطه دور به حرکت وادارد و با ندای بلند «الله اکبر» به دشمن بفهماند که نیروی کمکی می‌آید و همین امر، باعث

عقب‌نشینی دشمن می‌گردد.

ه) ایراد خطبه و سخنرانی به خصوص در شروع جنگ؛ ایراد خطبه و سخنرانی در ابتدای جنگ، در واقع، یک اتمام حجت برای طرف مقابل است که این امر، در جنگ‌هایی که یک طرف، جبهه واقعی اسلام بوده ولی طرف مقابل، داعیه اسلام را داشته، مثل جنگ‌های امام علی ۷ و امام حسن ۷ و امام حسین ۷ تأثیر زیادی در روحیه طرف مقابل داشته و چه بسا افرادی را یا از میدان کارزار دور ساخته و یا علاوه بر دور کردن، داخل در جبهه خودی (اسلام) کرده است. چنانچه در جنگ جمل و جنگ صفین، این امر وجود دارد و پایبندی به مقدسات خود و حمله به مقدسات طرف مقابل، در جنگ صفین، وقتی معاویه در آستانه شکست کامل قرار گرفت، با کمک عمروعاص، بهترین وسیله برای فائق آمدن بر جو موجود را در سرنیزه کردن قرآن دانستند. با اینکه در واقع، اعتقادی بدان نداشتند و همین مسأله که در واقع، مقدسات طرف مقابل را مستمسک قرار داده بودند، موجب پیدایش تفرقه در سپاه امام علی ۷ و در نهایت، تن دادن به حکمیت توسط آن حضرت شد. در جنگ جمل نیز عایشه تلاش دارد از جملات و ادعیه‌ای که پیامبر اسلام ۶ در جنگ‌ها از آن‌ها استفاده می‌نمودند، جهت تقویت سپاه خود، بهره گیرد. البته اگر سپاه متشکل از افرادی آگاه باشد، این شیوه، نه تنها موجب تزلزل نمی‌گردد، بلکه باعث وحدت و انسجام آنان می‌شود. امام حسین ۷ نیز برای تقویت روحی اصحاب خود و تضعیف روحیه طرف مقابل، به کلمات پیامبر اسلام ۶ و رساندن نسبت خود به حضرت محمد ۶ و حضرت زهرا ۳ تمسک می‌کند و یزید و معاویه را محکوم نموده، سنت‌های جاهلی و آنچه در سیره خلیفه غیر حق، در جامعه، متداول گشته را رد می‌کند (ر.ک: سبحانی، بی تا: ۴۸۳-۵۳۴).

۹-۴. اهداف عملیات روانی

هدف غایی عملیات روانی، تسلیم طرف مقابل است. منتهی تاکتیک‌های وصول به تسلیم خصم، متعدد است و از جمله آن، ایجاد تفرقه است. چنانچه «نعم بن مسعود» در جنگ خندق انجام داد که تفرقه، نهایتاً منجر به تسلیم شد. اهداف دیگری را که می‌توان بر آن، مصادیق روشنی در تاریخ اسلام یافت، ذیلاً فهرست‌وار ذکر می‌کنیم و بحث پیرامون آن‌ها را به فرصت دیگری موکول می‌کنیم:

۱. اقناع و تسلیم؛

۲. تفرقه؛

۳. فریب دشمن؛

۴. ایجاد تردید و شبهه در پیروزی و حقانیت طرف مقابل؛

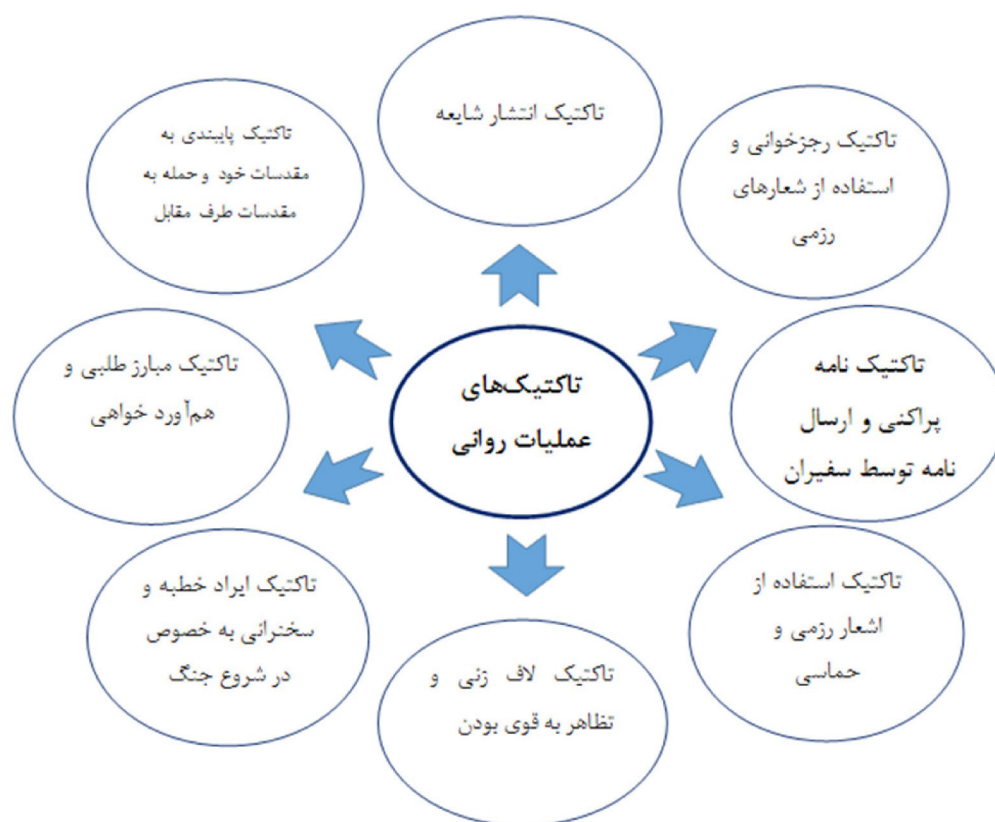
۵. تحریک عواطف و احساسات؛

۶. تقویت نیروی خودی؛

۷. ایجاد رعب و ترس در قلب دشمن (رشیدی و آذر، ۱۳۹۴: ۱۰۹).

۱۰. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

در پاسخ به پرسش اصلی این مقاله که عبارتست از «تاکتیک عملیات روانی به کار گرفته شده در فرماندهی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌ها چیست؟» می‌توان این گونه تجزیه و تحلیل نمود که رسول الله ﷺ جهت موفقیت در جنگ‌ها از تاکتیک‌هایی استفاده می‌نمود که باعث پیروزی در آن‌ها می‌شد. لذا در این تحقیق، می‌توان با توجه به مدل زیر (شکل ۱) پاسخی به سؤال تحقیق ارائه نمود:



۱۱. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی این مقاله، باید به این نکته اشاره کرد که، این مقاله در چهار بخش کلی تدوین شده است. در قسمت اول، سعی نگارنده بر آن بود تا مفهومی از واژه‌های مرتبط با مقاله، ارائه نماید. در قسمت دوم، به سیره پیامبر ﷺ در جنگ‌ها اشاره شد. در قسمت سوم، تاکتیک‌های نظامی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌ها مورد بررسی قرار گرفت و در

قسمت چهارم، به تاکتیک عملیات روانی در عصر پیامبر اکرم ﷺ پرداخته شد و اما نتیجه‌ای که می‌توان از این پژوهش گرفت عبارت است از:

بررسی تمام نبردهای که لشکر اسلام در همه جبهه‌ها انجام دادند، ثابت می‌کند که نیرو و امکانات، امداد رسانی زیاد، علت کافی در تحقق پیروزی نبوده است. در حقیقت، سازماندهی این امکانات و به کارگیری خوبی آن‌ها در زمان و مکان مناسب، هرچند این امکانات کم بوده و یا حتی نبوده از آشکارترین عوامل پیروزی محسوب می‌شده است. از این رو، سپاه اسلام، توانست بر یهود که قوی‌ترین امکانات را در اختیار داشتند و همین‌طور بر روم که از انواع گوناگون امکانات برخوردار بودند و نیز قبایل عرب دشمن که هزاران رأس گوسفند، قاطر، شتر و اسب داشتند به پیروزی دست یابد.

نقش رسول خدا ﷺ برای پرورش نیروی نظامی هنگام وجوب جهاد آغاز شد. در این هنگام به سازماندهی و فراهم ساختن لشکر و آموزش آنان به دنبال غزوه‌ها و سرایایی که اهداف سیاسی و نظامی را محقق نمود، همت گماشت؛ زیرا در این راه، برای ثبات حکومت و گسترش دعوت اسلام، چاره‌ای جز آن نداشت و آمل و آرزوهای مجاهدان و تجهیز آنان برای اقدام مشترک در سایه فرماندهی یگانه برآورده می‌ساخت و بر هیبت و ابهت مسلمانان در میان دشمنان می‌افزود. فرماندهی کل، برای آماده ساختن لشکر و آموزش فنون جنگی به آنان، همواره کوشید تا آنکه به آمادگی جنگی تسلط کامل برتری و توان برای رویارویی با دشمنان و یاری هم-پیمانان خود دست یافت.

انواع شیوه‌ها و روش‌های جنگی که رسول خدا ﷺ در غزوات خود مورد استفاده قرار می‌داد از قبیلی شیوه‌ای مشورت، شیوه‌ای به کارگیری صف در جنگ بدر و احد و شیوه‌ای حفر خندق در جنگ احزاب و شیوه‌ای غافل‌گیری و عملیات روانی در غزوه فتح مکه و شیوه‌ای محاصره در جنگ قلعه‌ها بسج اطلاعات و تعیین هدف، یورش ناگهانی سریه، سرعت مانور، نیروی معنوی، تأمین کامل امور جنگی که اصول آن در جنگ‌های جدید نیز به کار گرفته می‌شود؛ اثر زیادی در پیروزی بر دشمن داشته و در بیشتر جنگ‌های لشکر اسلامی، شنیدن آوازه قدرت و صلابت آن برای لشکر پیروزی می‌آفرید. خلاقیت و نوآوری فرمانده کل، پیامبر ﷺ در شیوه‌ای مدیریتی‌اش در جنگ‌های بیشتر خلاق و نوآور بود. پیامبر ﷺ هیچ‌گاه به شیوه‌ای قدیمی و سنتی اعراب که همان شیوه‌ای کر و فر بود فکر نمی‌کرد. سعی می‌کرد از شیوه‌ای جدید استفاده کند و اساساً شیوه‌های را که ایشان، در غزوات به کار برده است، می‌بینیم در جزیره العرب، سابقه چندانی نداشته است و لذا وقتی دشمنان، با شیوه‌های بدیع و جدید آن حضرت، مواجه می‌شدند، در بهت و حیرت و سرگردانی به سر می‌بردند و بی‌محابا، تن به شکست می‌دادند.

نیروی معنوی سپاه اسلام در جنگ‌ها، یکی از عوامل پیروزی بر دشمن محسوب

می‌شد. در طول جنگ‌ها در جبهه‌های مختلف بیشتری جنگ‌ها معمولاً نابرابر بوده است. سپاه کفر از نظر تعداد، نفراشان خیلی بیشتر از تعداد نفرات نیروهای اسلام بوده‌اند و از نظر ابزار و وسایل و ادوات جنگی نیز آن‌ها مجهزتر بوده‌اند، ولی نیروهای اسلام، یک چیز را در اختیار داشتند که آن‌ها فاقد آن بوده‌اند و آن، ایمان به خدا و نیروی معنوی بوده است. بنابراین، ایمان و اعتقاد راسخ و معنویت در جبهه‌های جنگ در هر عصر و زمانی، حرف اول را می‌زند و غفلت از این عامل مهم، شکست قطعی را به دنبال خواهد داشت.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

قرآن کریم.

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۳۶)، *تفسیر ابن کثیر*؛ بیروت: المكتبة العصرية.
- آخوندی، مصطفی (۱۳۸۷)، *نظام دفاعی در اسلام*، قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت.
- اشراق، محمد کریم (۱۳۶۰)، «تاریخ و مقررات جنگ در اسلام»؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- الیاسی، محمد حسین (۱۳۸۲)، «عملیات روانی رسانه‌ای برای کنترل اذهان»، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳۴.
- باقری، علی [بی تا]، «کلیات مبانی جنگ و استراتژی»؛ تهران: مرکز نشر بین‌المللی.
- بیابان نورد، علیرضا (۱۳۸۴)، «بررسی تطبیقی عملیات روانی ایالات متحده در دو کشور افغانستان و عراق»؛ فصلنامه عملیات روانی، سال سوم، شماره ۱۱.
- ثعالبی [بی تا]، *تفسیر الثعالبی*؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- جنیدی، رضا (۱۳۸۹)، *تکنیک‌های عملیات روانی و شیوه‌های مقابله*؛ مشهد: انتشارات به نشر آستان قدس رضوی.
- حافظنیا، محمد رضا (۱۳۹۴)، «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»؛ تهران: سمت.
- حلبی، علی بن ابراهیم [بی تا]، *سیره حلبی (جلد ۲)*؛ قم: دار الکتب العلمیه.
- ربابه نمازی، اسماعیل (۱۳۶۸)، *استراتژی اسرائیل (دو جلدی)*؛ تهران: نشر سفید.
- رشیدی، مهدی و آذر، داود (۱۳۹۴)، «تحلیل هرمنوتیک عملیات روانی در عصر نبوت پیامبر اسلام ﷺ»؛ فصلنامه علوم و فنون نظامی، شماره ۳۲.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۵)، *فروغ ابدیت*، چاپ بیست و یکم؛ قم: بوستان کتاب.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۳۳۵)، *الدّر المنثور فی التفسیر المأثور*؛ بغداد: دار الکتب العراقیه.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۸۶)، *نهج البلاغه*؛ مشهد: نورالمبین.
- شیرازی، محمد (۱۳۸۰)، *جنگ روانی و تبلیغات: مفاهیم و کارکردها*، چاپ دوم؛ تهران: دبیرخانه نخستین همایش بررسی نقش تبلیغات در جنگ.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۷)، *تفسیر جوامع الجامع*، ترجمه احمد امیری شادمهری؛

مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

طلاس، مصطفی [ابی تا]، *پیامبر و آئین نبرد*، ترجمه حسن اکبری مرزناک، مؤسسه انتشارات بعثت. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۳)، *التبیین فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی. علی بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹)، *فرهنگ علوم سیاسی (جلد ۲)*؛ تهران: شرکت نشر ویس. گارنت، جان سی (۱۳۷۵)، «هنر فرماندهی نظامی»، فصلنامه تاریخ جنگ، شماره ۱۳. لی‌وایت، گاری (۱۳۸۲)، «عملیات روانی در قرن بیست و یکم»، ترجمه سید حسین محمدی نجم؛ فصلنامه عملیات روانی، شماره ۱.

متفکر، حسین (۱۳۸۳)، *جنگ روانی*؛ تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

مجلسی، محمد باقر (۱۳۵۶)، *بحار الأنوار (جلد ۳۳)*، چاپ دوم؛ تهران: دفتر اسلامیه. محمد نژاد، میر علی و نوروزی، محمد تقی (۱۳۷۸)، *فرهنگ استراتژی*؛ تهران: نشر سنا. مرادی، حجت‌الله (۱۳۸۶)، «شایعه در سازمان؛ راهنمای کارآمدی سازمان»؛ فصلنامه عملیات روانی، سال پنجم، شماره ۱۸.

_____ (۱۳۸۲)، «عملیات روانی بعد مهم جنگ‌های آینده»؛ فصلنامه عملیات روانی، شماره ۱.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، *حماسه حسینی (دوره سه جلدی)*، چاپ چهارم؛ قم: انتشارات صدرا. معاونت آموزش نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۷۶)، «تاکتیک‌های گردان زرهی»؛ تهران.

نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲)، *جواهر الکلام*، چاپ سوم؛ تهران: دارالکتاب الاسلامیه. نجفی یزدی، سید محمد [ابی تا]، *تاکتیک‌های جنگی رسول خدا ﷺ*؛ قم. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (۱۳۸۶)، «سیره پیامبر اعظم ﷺ در جنگ‌ها»، مجله فقه پژوهان، شماره ۱.

ب) منابع الکترونیکی:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در وبگاه <http://www.ensani.ir>. تاکتیک‌های نظامی پیامبر ﷺ، اسفند ۱۳۹۵، در وبگاه <http://www.asrislam.com>. تاکتیک‌های پیامبر (ص) (۱۳۹۴)، در وبگاه <http://www.totalwarpersian.ir>. پژوهشی در خصوص جایگاه جنگ روانی در اسلام، در وبگاه <http://www.hawzah.net>.

ج) منابع انگلیسی:

Psychological Operations Doctrine، NATO، AJD- 307، 2002، CH:ID_ 1